



نهادی برای نظارت و حمایت

بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران به پشتوانه حمایت وزارت امور اقتصادی و دارایی و حرکت در چارچوب قوانین و تکالیف حاکمیتی بر عملیات بیمه گری شرکت های بیمه ای نظارت دارد. ناگفته پیداست که حضور شرکت های جدید بیمه ای در بازار به ابزارهای قدرتمند فنی و مالی نیاز دارد تا حقوق بیمه گذاران در معرض آسیب قرار نگیرد. در فرایند اعطای مجوز به منقاضیان شرکت های بیمه ای به تمامی مواد قانونی توجه ویژه ای شده و توانگری آنان مورد تایید نهاد ناظر صنعت بیمه است. تقویت زیرساخت های فناورانه و تاکید بر بیمه گری هوشمند و مبتنی بر خدمات دیجیتال در کنار سلامت مالی و قابلیت های فنی از جمله شرایطی است که شرکت های نوآمده بیمه ای باید داشته باشند.

و اینک دولت سیزدهم و بیمه ای به رنگ آرامش

صدور مجوز برای شرکت های تخصصی بیمه گری یکی از اولویت های نهاد ناظر صنعت بیمه در دولت سیزدهم به شمار می آید. تا یازدهم اسفندماه یک هزار و چهارصد میزان صدور پروانه فعالیت شرکت های بیمه در عدد ۳۲ متوقف مانده بود که پس از اراده دولت برای ایجاد تحول در فضای کسب و کار بیمه ای این عدد به مرز ۳۸ پروانه فعالیت برای ۳۷ شرکت بیمه رسید که از رشد قابل تامل و غرورآفرینی حکایت دارد. البته دو شرکت جدید بیمه ای نیز به زودی به لوکوموتیو توسعه بیمه کشور می پیوندند که تشریفات قانونی آنان از قبیل صدور پروانه تاسیس و برگزاری مجمع عمومی موسس آنان در حال انجام است.

تابلوی خطر

حذف بیمه نامه فیزیکی شخص ثالث و امکان استعلام آن با کد یکتا



با ابلاغ بخشنامه بیمه مرکزی برای حذف نسخه فیزیکی بیمه شخص ثالث و ایجاد زیرساخت های لازم برای صدور الکترونیکی بیمه نامه ثالث و آنلاین شدن آن، نسخه فیزیکی بیمه ثالث صادر نمی شود و در هنگام تصادف به دلیل هماهنگی های صورت گرفته بین بیمه مرکزی و راهنمایی و رانندگی، نداشتن نسخه فیزیکی هیچ مشکلی برای بیمه گذار ایجاد نخواهد کرد و استعلام بیمه نامه از طریق کد یکتا امکان پذیر خواهد بود.

همیشه پیش از آنکه فکر کنی اتفاق می افتد

مدرس بیمه بود. چند سالی می شد که برای خودش شهرتی به هم زده بود و وقت سر خاراندن نداشت. سفرهای طولانی را با هواپیما می رفت و مسیرهای تا دویست، دویست و پنجاه کیلومتر را با اتومبیل شخصی اش طی می کرد. کمتر از ده دقیقه می شد که از اصفهان راه افتاده بود که ناگهان کنترل اتومبیلش را از دست داد و با سرعت زیاد به یک دستگاه بی ام و مدل بالا برخورد کرد. سعی کرد به درس های بیمه ای عمل کند. نفس عمیقی کشید. داشبور را باز کرد و بیمه نامه را برداشت. نطق مفصلی در باب اینکه حادثه خبر نمی کند و اتومبیل را برای بیمه تصادف ساخته شده و بیمه نامه را هم برای این مواقع خریداری می کنند و حرفهایی از این دست که از عصبانیت احتمالی راننده بی ام و کم کند. چند دقیقه بعد آقای مدرس بیمه، دستهایش را فرو کرده بود لای موهایش و کنار جاده نشسته بود. یک هفته از تاریخ ابطال بیمه نامه اش می گذشت.

پارکینگ

چیزی آرام نیست

«سعید» از آن دسته پسرهایی بود که به آن ها «الکی خوش» می گویند. پیاده روی های بی هدف و دور دورهای بی پایان در خیابان های شلوغ و سفرهای کوتاه و بلند و باری به هر جهت و از همه بدتر دوستانی که دست کمی از خودش نداشتند. فعل های ماضی را به خاطر این درباره «سعید» به کار می برم که دیگر نمی تواند دنبال هیچ یک از این کارهای بیهوده برود. همیشه بی چتر، بی چراغ، بی خیال، بی گواهینامه و بیمه نامه و کارنامه و حتی نامه ای معمولی که به مقصدی مشخص فرستاده شود. یک صبح خیلی زود، اتومبیل «سعید» را در حالی واژگون در کنار خیابان پیدا کردند که هنوز از ضبط صوتش صدای خواننده ای به گوش می رسید که انگار «سعید» و دنیای بی نظمش را دست می انداخت. همه چی آرومه / من چقدر خوشحالم ...

به خانه برگرد

گواهینامه، کارت موتورسیکلت، بیمه نامه، برگه معاینه فنی ... همه چیز کامل بود. یک بار دیگر همه چیز را مرور کرد و بعد از خانه بیرون زد. راه درازی در پیش داشت. زیر لب دعایی را زمزمه کرد و از کوچه به خیابان پیچید. اولین چیزی که توجه اش را جلب کرد تصویر تازه ای بود که روی بیلبورد نبش میدان خودنمایی می کرد. به خانه برگشت. دیدار همسر و دو دختر شیرین زبانش برای چند دقیقه ای به تاخیر افتاده بود اما این موضوع برایش هیچ اهمیتی نداشت. حوالی عصر به باغ لوسان رسید. دیدارها تازه شد. بعد هم نشستند پای شعله آتش و خیلی چیزها گفتند. مرد هم از بیلبورد میدان نزدیک خانه حرف زد. بچه ها بالاخره بیلبورد روغن ترمز تقلبی رو از میدون برداشتن و عکس به دختر بچه ناز رو گذاشتن با به کلاه ایمنی توی دستش و زیرش هم نوشته «پدر! سالم به خانه برگرد. منتظرم.»